

هفت جهان

گوی بلورین کارلووی واری به «باب‌ودرختان» رسید



● گوی بلورین پنجاهمین جشنواره فیلم کارلووی‌واری به فیلم آمریکایی «باب و درختان»، ساخته دیوگو آنگارو، رسید.

در این دوره جایزه گوی بلورین جشنواره کارلووی‌واری که در جمهوری چک در حال برگزاری است، فیلم‌هایی از کشورهای ایتالیا، آلمان، آمریکا، رومانی، دانمارک، لهستان، کانادا، اوکراین، اتریش و چک رقابت داشتند که آمریکا، جایزه را از آن خود کرد.

دیوگو آنگارو، کارگردان فیلم، پس از کسب این جایزه گفت: «این جایزه واقعا فوق‌العاده است، چراکه ما هیچ پولی برای آغاز ساخت فیلم نداشتیم و مجبور شدیم از پول خودم و همسرم برای فیلم سرمایه‌گذاری کنیم.»

باب تراسوک، بازیگر اصلی این فیلم، که خود یک چوب‌پُر است و در این فیلم در نقش خودش برای اولین‌بار مقابل دوربین رفته بود، نیز گفت: «تاکنون چیزی برنده نشده‌ام و درواقع تاکنون آمریکا را ترک نکرده بودم، اما این جایزه را به پدربزرگم که اصالتا اهل چک بود و مادربزرگم که اوکراینی است تقدیم می‌کنم.»

به گزارش ایسا، در سایر بخش‌ها، فیلم‌های کشور میزبان حضور موفقی داشتند به‌طوری‌که جایزه بهترین بازیگر زن به آلتا میهولوا برای «نگهبان خانه» رسید و کریستوف هادک برای بازی در «برادران سار» موفق به کسب عنوان بهترین بازیگر مرد این رویداد سینمایی شد.

ویسار مورینا هم برای ساخت «بابایی» موفق به کسب جایزه بهترین کارگردانی از پنجاهمین دوره از جشنواره فیلم کارلووی‌واری شد و هیات‌داران از انیمیشن «کوه جادویی»، ساخته «آنکا دامیان»، به صورت ویژه تقدیر کردند.

همچنین جایزه بهترین فیلم بخش «شرق غرب» به «فرزند چهارشنبه»، ساخته لیلی هورواث، از مجارستان اعطا شد.

جشنواره کارلووی‌واری به‌عنوان یکی از رویدادهای سینمایی درجه الف جهان در حالی امسال پنجاهمین دوره خود را پشت‌سر گذاشت که از ریچارد گر، بازیگر هالیوودی، در مراسم افتتاحیه با اعطای جایزه «گوی بلورین» یک عمر دستاورد هنری تقدیر شد.

مراسم اختتامیه جشنواره بین‌المللی فیلم کارلووی‌واری در کشور جمهوری چک نیز شبه‌شب، ۲۰ تیر تحت‌تأثیر پنجاهمین سالگرد برگزاری این رویداد معتبر سینمایی در سالن اصلی هتل ترمال برگزار شد.

به گزارش ایسنا از کارلووی‌واری، این دوره جشنواره فیلم کارلووی‌واری از تاریخ سوم جولای آغاز شده بود. مراسم اختتامیه یک ساعت به طول انجامید و مانند سایر جشنواره‌های درجه الف جهان، همه میهمانان با لباس رسمی به مراسم اختتامیه آمده بودند اما مانند کن پوشیدن کفش پاشنه‌بلند، کراوات و پالاین اجباری نبود. در مراسم اختتامیه، کلیپ‌های مختلفی به بهانه ۵۰سالگی این رویداد سینمایی با حضور هنرمندان گوناگون پخش شد و درنهایت یک فیلم آمریکایی به‌عنوان فیلم اختتامیه، پایان‌بخش این رویداد سینمایی بود. در جشنواره امسال درمجموع بیش از ۱۲۵هزار بلیت برای ۴۸۸ نمایش ۲۲۳ فیلم حاضر در جشنواره فروخته شد که در این میان ۲۵ فیلم اولین نمایش جهانی خود را تجربه کردند. نخستین دوره جشنواره فیلم «کارلووی‌واری» که امسال نیم‌قرن از برگزاری اولین دوره آن گذشت، در اگوست ۱۹۴۶ به شکل غیرمستایقه‌ای برگزار شد. این جشنواره از سال ۱۹۴۸ به جشنواره‌ای رقابتی تبدیل شد و جایزه گوی بلورین نیز در همان سال به‌وجود آمد. این جشنواره از سال ۱۹۵۹ به بعد، هر دو سال یک‌بار (با جشنواره فیلم مسکو به‌صورت یک سال در میان) برگزار می‌شد. «کارلووی‌واری» از سال ۱۹۹۴ تاکنون به‌صورت پایانه برگزار می‌شود.

بهناز شیربایانی، حرف حساب هامون‌بازان چیست و چرا فکر می‌کنند این فیلم داریوش مهرجویی شاهکار است؟ قطعاً پاسخ این سؤال را مانی حقیقی و محمد رحمانیان بهتر می‌توانند بدهند؛ از آن رو که این دو کارگردان سینما و تئاتر تلاش کرده‌اند در آثارشان داستان دلدادگی دوستداران «هامون» و همذات‌پنداری آنها را با حمید هامون به تصویر بکشند. پس از ساخت فیلم «هامون‌بازها» به کارگردانی مانی حقیقی، محمد رحمانیان قرار است نمایش «هامون‌بازها» را که اقتباسی از فیلم «هامون‌بازها»ی حقیقی است، از ۲۹ تیر در تالار وحدت به صحنه برده؛ نمایشی که البته به صحنه بردنش برای رحمانیان چندان آسان نبوده، این کارگردان روز گذشته، در نشستی خبری از نخستین‌باری که ایده به‌صحنه‌بردن این نمایش را داشته است سخن گفت؛«بهار سال ۸۸ تمرین‌های نمایش را آغاز کردیم و قرار بر این شد که در نخستین سالمرگ خسرو شکیبایی نمایش را اجرا کنیم و به‌دلایلی این اتفاق نیفتاد. درنهایت سال ۸۹ با گروه دیگری تمرین‌های نمایش را آغاز کردیم؛ از جمله رضا عطاران و شقایق فراهانی، اما چندروز مانده به اجرای نمایش، فهرست بلندبالایی از حذفیات نمایش به دستم رسید از جمله حذف کامل یکی از شخصیت‌های نمایش و این میزان از ممیزی برای من پذیرفتنی نبود و این‌بار از به‌صحنه‌بردن این نمایش صحبت می‌کنیم نمایشی که بارها مورد هجمه بازیبن‌ها قرار گرفته است و تنها با توسل و توکل حرکت می‌کنیم و نمی‌دانیم در طول راه چه اتفاقی برای نمایش خواهد افتاد. نمایش هنوز بازیبنی نشده است و امیدواریم این اتفاق بعد از جلسه مطبوعاتی صورت بگیرد.»

رحمانیان در ادامه این نشست از تأثیر فیلم مانی حقیقی بر شکل‌گیری این نمایش صحبت کرد: «فیلمی که از مانی حقیقی دیدم پاسخ بسیاری از پرسش‌های ذهن من را در ارتباط با این فیلم داد. اینکه چطور این فیلم بعد از همه این سال‌ها تأثیرش را میان نسل‌های متفاوت حفظ کرده است. ما در این نمایش از هفت نفر از علاقه‌مندان به این فیلم حرف می‌زنیم و علاقه

در این فیلم تنها به دیالوگ گفتن محدود نمی‌شود

بلکه این فیلم وارد زندگی و شخصیت‌شان شده است». او در ادامه از حضور محسن شاه‌ابراهیمی به‌عنوان مدیر هنری نمایش و توجر منصوری به‌عنوان مدیر فیلم‌برداری نام برد. رحمانیان در پاسخ به این پرسش که پس از جرح و تعدیل‌های دوره‌های قبل، این‌بار در نمایش‌نامه حذقیات از جانب او اعمال شده است یا خیر؟ گفت: اساسا من قائل به اصلاحات در نمایش‌نامه نبودم که الان بخواهم تغییری در نمایش‌نامه انجام بدهم. همه شخصیت‌ها محصول ذهن من هستند و طبعاً نسبتی با جامعه دارند. همان سالی که به نمایش‌نامه از سمت دوستان ایراداتی وارد بود، هم گفتم که این شخصیت‌ها آدم‌های این دوره تاریخی هستند و با مسائل سیاسی و اجتماعی

که از مانی حقیقی دیدم پاسخ بسیاری از پرسش‌های ذهن من را در ارتباط با این فیلم داد. اینکه چطور این فیلم بعد از همه این سال‌ها تأثیرش را میان نسل‌های متفاوت حفظ کرده است. ما در این نمایش از هفت نفر از علاقه‌مندان به این فیلم حرف می‌زنیم و علاقه

مانی حقیقی می‌گوید مستند «هامون‌بازها» جز، بزرگ‌ترین شکست‌های کاری اوست. کارگردانی که سهم زیادی در شناساندن دلدادگان «هامون» به دوستداران سینما داشته، این‌روژه‌ا از مستندی که آن سال‌ها ساخته، راضی نیست؛ هرچند او پس از «هامون‌بازها» نیز سراغ ساخت مستندی درباره «مهرجویی» رفت که حاصلش شد «مهرجویی: کارنامه چهل‌ساله، با او به‌مناسبت اجرای نمایشی اقتباس شده از «هامون‌بازها»ی او توسط محمد رحمانیان، گفت‌وگو کرده‌ایم، حقیقی در ادامه از آخرین وضعیت واپسین فیلمش نیز خبر داده، که می‌خوانید:

❧ در جریان تولید تئاتر «هامون‌بازها» بودید؟

بله، در سال ۸۸ آقای رحمانیان با من تماس گرفتند و گفتند می‌خواهند نمایش‌نامه‌ای براساس مستند من بنویسند و من هم اجازه دادم که به‌خاطر حوادث سال ۸۸، تئاتر اجرا نشد. دوباره در سال ۸۹ که ما سر پیش‌تولید فیلم «پذیرایی ساده» بودیم، ایده ساخت این تئاتر را مطرح کردند و حتی صدایی هم از من ضبط کردند برای پخش تئاترشان، که باز هم مشکلاتی وجود داشت و تئاترشان روی صحنه نرفت، تا اینکه حالا برای بار سوم برای اجرای این تئاتر اقدام کرده‌اند.

❧ از محتوای نمایش‌نامه محمد رحمانیان باخبرید؟ آن را خوانده‌اید؟

نه، اصلا نمی‌دانم چطور می‌شود از فیلمی که من ساخته‌ام، اقتباس کرد. عمدا هیچ دخالتی در پروسه شکل‌گیری این تئاتر نداشتم تا خود کار را ببینم. برایم خیلی جالب است ببینم از روی فیلم من، چه تئاتری ساخته شده.

❧ مهرجویی آثار شاخص سینمایی کم ندارد. چطور شد که شما «هامون» را برای ساخت مستندی درباره یکی از فیلم‌های مهرجویی انتخاب کردید؟

مسئله این است که من اصلا «هامون» را انتخاب نکردم. سال‌ها پیش، اواسط دهه ۸۰، آقای میرکرمی، پروژه‌ای داشتند که از کارگردان‌های جوان‌تر دعوت می‌کردند راجع به فیلم‌های مطرح تاریخ سینمای ایران مستند بسازند و راجع به خیلی فیلم‌ها، مستند ساخته شد، حتی خاطرم هست درباره «چهارشنبه‌سوری» هم مستندی ساخته شد که خود من هم در آن همکاری کوتاهی داشتم. آقای میرکرمی از من خواستند درباره «هامون» مستند بسازم. راستش اصلا «هامون» جزء فیلم‌های موردعلاقام هم نیست، فقط به من سفارش شد و من هم پذیرفتم این فیلم را بسازم. چالش اصلی چنین سفارشی این بود که چطور می‌توان راجع به فیلمی که این‌همه محبوب است، یک مستند ساخت؟ وقتی شروع به کار کردم، متوجه شدم محبوبیت این فیلم، برایم از خود فیلم جذاب‌تر است و این محبوبیت، برایم از خود فیلم مهم‌تر بود. بعد دیدم دربار خود فیلم به‌قدری قصه گفته شده و نقد و نظر نوشته شده که دیگر نکته‌ای باقی نمانده که قرار باشد در مستند مطرح شود. بنابراین تصمیم گرفتم درباره محبوبیت «هامون» فیلم بسازم. همان زمان فراخوانی دادم با عنوان «هامون‌بازان جهان کجایید؟» و از طرفداران این فیلم خواستم از طریق ایمیل و فکس برایم توضیح دهند که چرا از این فیلم خوششان می‌آید. تعداد خیلی زیادی نامه به من رسید که براساس آن نامه‌ها با چند نفر قرار گذاشتم که نهایتا پنج‌نفرشان، سوزه‌های مستند شدند.

❧ سرانجام «هامون‌بازها» چه شد؟

فیلم را که ساختیم، یک فیلم ۵۲ دقیقه‌ای بود

هنر



نمایش «هامون‌بازها» پس از ۶ سال به صحنه می‌رود

بازگشت دلدادگان «هامون»

چنین چیزی را انکار کرد؟ مهتاب نصیریور در ادامه صحبت‌های رحمانیان با اشاره به اینکه در این نمایش نقش زنی را بازی می‌کند که از فیلم هامون خوشش نمی‌آید گفت: در ادامه صحبت‌های آقای رحمانیان درباره جرح و تعدیل‌های نمایش، این نکته را هم اضافه کنم که بخشی از این اصلاحات مربوط به خود فیلم بود فیلمی که درحال‌حاضر در مؤسسه‌های رسانه‌های تصویری فروخته می‌شود و سال‌هاست که مردم آن را می‌بینند و چوون ما بخش‌هایی از فیلم را هم پخش می‌کنیم، نسبت به پخش برخی پلان‌ها هم حساسیت داشتند و این برای من عجیب بود.

رحمانیان در ادامه این نشست در پاسخ به این پرسش که تا چه حد پس از بازگشتن از کانادا شیوه نگارش نمایش‌نامه‌ها یا کارگردانی او نسبت به قبل تغییر کرده است؟ گفت: چیزی را که به اسم موسیقی-نمایش اجرا می‌شود که البته برخی دوستان نام تئاتر کاباره‌ای بر آن گذاشته‌اند و البته من از تمامی این عناون استقبال می‌کنم، نخستین‌بار سال ۸۳ با نمایش مسافران تجربه کردم و یک شب بیشتر اجرا نشد و

امکانات تالار وحدت مانع از ادامه‌دارشدن اجرای نمایش شد. در آن کار محسن نامجو و سعید ذهنی موسیقی این کار را انجام دادند. در موسیقی-نمایش لبالا که آن هم تنها یک شب اجرا شد با علیرضا افکاری به‌عنوان آهنگساز و روزبه بمانی ترانه‌سرا همکاری کردم. بنابراین چیزی نبوده که آموخته‌های من از خارج از کشور باشد و متأسفانه در فقدان موسیقی در ایران از آن به‌عنوان تئاتر کاباره‌ای نام می‌برند. از نظر من موسیقی چیز بدی نیست و از سال ۶۳ که نخستین نمایش حرفه‌ای من روی صحنه آمد رقص، موسیقی و آواز در کارهایم بود. او ادامه داد: اما به نظر من مدتی است که ممیزی در آثار نمایشی کمتر از گذشته شده است؛ من به‌تازگی آثاری از محمد یعقوبی با نغمه ثمنی دیدم و دوستانی که معمولا کارهایشان با ممیزی روبه‌رو می‌شود، درحال‌حاضر این‌گونه نیست و این اتفاق جای خوشحالی دارد که ممیزی سلیقه‌ای، به شدت گذشته نیست و مدیران سعی می‌کنند به تعامل خوبی با نمایش‌نامه‌نویسان برسند.

هومن برق‌نورد از بازیگران این نمایش نیز در صحبت‌هایش به هدایت خوب محمد رحمانیان اشاره کرد و گفت: طبعاً وقتی با آقای رحمانیان کار می‌کنم به معلومات و تجربه‌ام افزوده می‌شود. نقشی که در این نمایش بازی می‌کنم یک هامون‌باز دواتشه است که امیدوارم خوب اجرایش کنم. مهتاب نصیریور دیگر بازیگر این نمایش نیز افزود: من با کارهای آقای رحمانیان به دنیا آمدم، بزرگ شدم و پیر می‌شوم. ۳۰ سال است که با هم کار می‌کنیم؛ بخشی از آن این دلیل است که محمد رحمانیان همسرم است و نزدیک‌ترین فرد به او هستم و نقش‌هایی به من محول می‌شود. این نمایش ساده است و قصد داریم قصه‌ای را برای مخاطب تعریف کنیم و امیدواریم با پایان نمایش مخاطبان از کار لذت ببرند. رحمانیان نیز در ادامه صحبت‌های نصیریور افزود: البته من برخی نمایش‌نامه‌ها را با توجه به توانایی‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

فیلم‌های مهتاب نصیریور می‌نویسم و ممنونم که قبول می‌کند و بازی می‌کند.

چهره روز

به نام «هماروستا» و با حضور هنرمندان

سالن نمایش «هما» افتتاح‌شد



● شرق: گروهی از هنرمندان شامگاه شنبه - ۲۰

تیر- در سالن «هما»، نخستین سالن نمایش مرکز

تجربی هنرهای اجرایی گروه «مونگو»، گروه

آمدند تا در مراسم افتتاح این سالن که به نام «هما

روستا»، هنرمند تئاتر و سینماست، حضور داشته

باشند. هرچند هما روستا به‌دلیل بیماری نتوانست

در این برنامه شرکت کند، اما هنرمندانی چون علی

رفیعی، پروین امیرقلی، پرویز پورحسینی، لیلی

گلستان، داوود رشیدی، احترام برومند، آرمان امید،

پیمان معادی، حسین پاکدل، عاطفه رضوی، ویشکا

آسایش، مانی حقیقی، اصغر دشتی، رضا حداد،

ساسان پیروز، رضا ثروتی، مهدی کوشکی، علی

شمس، کیومرث افشار و اعضای گروه مونگو در

کنار برادر هما روستا در این برنامه حضور داشتند.

همچنین کاوه سمندریان به نمایشی از مادرش در

این مراسم حضور یافت. آنها در این برنامه دوستانه

موسیقی گوش کردند، از سالن تازه‌تأسیس دیدن

کردند، پذیرایی شدند و تصویری از هما روستا را

به یادگار امضا کردند. همایون غنی‌زاده، سرپرست

گروه تئاتر «مونگو» و مدیر این سالن، ضمن تشکر از

حضور هنرمندان گفت: «دوست داشتیم هما روستا

در این جمع حضور داشته باشند، اما برای سلامت

هرچه‌زودتر سلامت خودشان را به دست آورند.» او

در ادامه به تشریح ویژگی‌های این سالن تازه‌تأسیس

پرداخت. در طول برنامه، موسیقی زنده نواخته

شد و حضاران در میان ملودی‌هایی که با ویلن

ویلن‌سل نواخته می‌شد، به گفت‌وگوهای دوستانه

با یکدیگر پرداختند. در ادامه، سالن «هما» افتتاح

شد و یک نخستین روز گشایش این سالن توسط

داوود رشیدی بریده شد. میهمانان پس از بازدید از

سالن «هما»، تابلو یادبودی منقش به تصویری از

تجهیز و آماده‌سازی‌اش هشت‌ماه به طول انجامیده،

یک سالن بلک‌باکس با ظرفیت ۱۷۰ تماشاگر است

و با اجرای نمایشی از گروه مونگو، به سالن‌های

نمایشی پایتخت اضافه می‌شود. این سالن در خیابان

ولیعصر، ضلع شمالی پارک ساعی، کوچه ساعی

اول، پلاک ۷ واقع شده است.

زیر آسمان فیروزهای

تبریک کارگردان «آشغال‌های دوست‌داشتنی» به بنی‌اعتماد



● شرق: محسن

امیریوسفی، هم‌زمان

با روزهای پایانی اکران

«قصه‌ها»، در نوشتاری

کوتاه به رخشان

بنی‌اعتماد، کارگردان

این فیلم، تبریک گفت.

کارگردان فیلم «آشغال‌های دوست‌داشتنی» در

این یادداشت کوتاه که آن را در اختیار رسانه‌ها

گذاشته، نوشته است: «قصه‌ها» اکران شد و با وجود

نداشتن تعداد سینماهای زیاد، فروش بسیار خوبی

داشت. قصه‌ها اکران شد و برخلاف نظر مخالفان،

آب از آب تکان نخورد. قصه‌ها اکران شد و قدری

امیدوار شدیم که دولت اعتدال، نگاهی هم به انرژی

هسته‌های فکری سینمای ایران دارد. زمستان توقیف

«قصه‌ها» رفت و روسیاهی به زغال محترم ماند. (در

اینجا نقطه چین‌ها نشان‌دهنده چیز خاصی نیست و

صرفاً جهت احتیاط آورده شده‌است.) اکران این فیلم

ارزشمند، پایان خوش قصه‌ای از قصه‌های بانوی

صبور سینمای ایران است. اکران دیرهنگام ولی

باشکوه «قصه‌ها» را به خاتم بنی‌اعتماد و تمامی

عوامل این فیلم ارزشمند و متعهد تبریک می‌گویم.»